

کتاب

کسب ورزی به سرعت فکر کردن (کار برد دستگاه عصبی عددی)

نویسنده بیل گیت، چاپ ۱۹۹۹، ۳۷۰ صفحه

بیل گیت بنیان گذار، رئیس گروه مدیریت و مدیر اجرایی شرکت میکرو سافت که بزرگترین شرکت نرم افزار جهان است در دومین کتاب خود در باره "شيفته مندی" زندگی خود کامپیوتر و انقلابی که آن به پیش میبرد از دیدگاهی متفاوت از کتاب اول خود "راهی که در پیش است" مینویسد. از آنجا که انسان در طبیعت بخاطر کنش و واکنش غریزی خود بهترین نمونه "بجا ماندن" است. نام کتاب بیل گیت اشاره ای است به شرکت هایی که در کسب مندی و برای بقا، پیشرفت، بهره دهی و سودآوری خود احتیاج دارند اطلاعاتی را که در اختیار شرکت است مانند سرعت تعقل انسان بررسی کنند و مانند اعصاب انسان تغییر شرایط هستی را احساس کنند.

در این کتاب خواننده با عبارات و مفاهیم نو زیادی برخورد میکند که برای خو گرفتن به آنها احتیاج به زمان و آن گونه فکر کردن دارد. "عصر عددی" را به اعصار پیشین اکتشافات انسان اضافه کنید. عصری که نوشته، تصویر، صدا را میتوان بصورت عدد انبار کرد و هر وقت به آن احتیاج است با فشار دادن چند دکمه در کامپیوتر دید. عصر عددی، عصر اطلاعات را امکان پذیر کرده است که دوباره با فشار دادن چند دکمه انبوه اطلاعات در اختیار جوینده میگذارد. در این دوران تار عنکبوت مفهوم تکنولوژیک بزرگی پیدا کرده است و "روش زندگی تازی" و "روش کاری تازی" برای مصرف کنندگان و استخدام کنندگان خیلی چیزها را عوض کرده است. شرکت ها در تکنولوژی اطلاعات سرمایه گذاری های بزرگ میکنند و ضرورتاً بهره لازم را از آن نمیبند. محیط اطلاعاتی کاغذی به محیط اطلاعاتی عددی تبدیل میشود. هر کسی، اگر بخواهد برای کسب اطلاعات مجبور نیست در میان انبوه گزارش ها و کتاب ها جستجو کند، بلکه میتواند "وب" تار را جستجو کند و زمان زیادی را مصرف نکند.

این کتاب شش فصل دارد که ۲۳ بخش را در خود جای داده است. عنوان فصل اول "اطلاعات سیال خون زندگی بخش تو است" البته این عبارتی است برای شرکت تو. سه بخشی که در این فصل است عنوانشان به این ترتیب است: ۱- مدیریت با نیروی دانسته های مسلم. ۲- آیا دستگاه اعصاب عددی تو میتواند این کار را انجام دهد؟ ۳- دفتری خلق کن که در آن کاغذ وجود نداشته باشد. بخش اول فرض را بر این میگذارد که شرکت ها در دنیای آزاد، در رقابتی درگیر هستند که بجا ماندن و یا نابودپشان بستگی به مقدار و کیفیت اطلاعاتی است که جمع آوری میکنند و بکار میگیرند که بر مسلمات کسب وندی معینی حاکم است. و او این چنین نتیجه گیری میکند ص ۳ "برنده آن هائی خواهند بود که بتوانند دستگاه عددی عصبی در سطحی جهانی پدیدار کنند یا توانایی اطلاعات سیال در شرکت، برای حداکثر و یادگیری مدام. فصل دوم به بنیادهای هر کسب مندی میپردازد و مقدار تکنولوژی اعصاب عددی که در آن بکار برده میشود و ارتباط بخش های مختلف یک شرکت از تولید و کیفیت آن تا فروش و خدمات بعد از فروش و رقیبان شرکت به وسعت و روشنی قابل ملاحظه ای صحبت میکند و در نهایت چقدر تکنولوژی عددی شرکت بهره دهی و یک دستی در بخش های مختلف شرکت دارد. در بخش سوم محیط کاری کاغذی و عددی مقایسه میشود و محدودیت ها و خرج زیاد محیط کاغذی پرونده ها و بخش نامه ها در مقابل صفحه کامپیوتر و انبار اطلاعاتی آن و راحتی دست رسی به آن و نامه ها برقی بررسی میشود.

هر بخش با یک گفتار کوتاه از یک کتاب نوشته شده در باره کسب مندی و یا یکی از مدیران ارشد شرکتی شروع میشود که بخواننده آگاهی میدهد نتیجه گیری و سوی بخش چگونه است. در مباحث های بخش اگر گفتاری برای درک مطلب ضروری است اما در ارتباط مستقیم با آن موضوع نیست در چارچوب جداگانه ای مستقل آورده میشود. در پایان هر بخش دو چارچوب میاید یکی "درس های کسب مندی" که فصل را در آن خلاصه میکند و مراجعه کردن به آن مفهوم را آسانتر میکند و دیگری "تجویز

دستگاه عصبی عددی تو" که سوالاتی را از مدیران شرکت مستقیماً میبرد تا آن ها بتوانند بخود جواب دهند و بی ببرند که آیا نارسائی های معینی را شرکت شان دارد یا ندارد.

در بخش "درست کردن محل کار بدون کاغذ" بیل از "کارگران آگاه" نام میبرد که میباید از انبوه اطلاعات "عصر اطلاعات" آگاه باشند چطور است آنها را "دانش گران" بنامیم. او این "دانش گران" را مطلع و با دانش میخواند چون آنها برای کسب اطلاعات خود مجبور نیستند وقت خود را در میان گزارشات و نامه ها و کتاب ها بگذرانند بلکه با بکار گرفتن کامپیوتر و اطلاعات عددی انبار شده در آن به سرعت به تصمیمات آگاهانه خود بر اساس مسلمات کسب وندی میرسند. در این کتاب همواره سودمندی کامپیوتر را بیل با گرفتن نمونه ای از یک شرکت بزرگ بیان میکند و این کار را از شرکت خود مایکرو سافت شروع میکند. در مورد برتری محیط عددی بر محیط کاغذی او نمونه های زیادی از شرکت خود میآورد که بخاطر آن خرج شرکت میلیون ها دلار کمتر میشود و بهره دهی شرکت را زیاد میکند.

در فصل دوم بیل گیت درباره تجارت در اینترنت و آینده شگفت آور آن صحبت میکند. کامپیوتر و اینترنت بر "تغییر" پایه گذاری شده اند. در این فصل بیل ما را با تغییرات احتمالی و حتمی در تجارت آشنا میکند و اثر بزرگی که اینترنت در ارزان شدن کالا و خدمات برای مردم پیش میآورد. او از عبارت "سرمایه داری بدون اصطکاک" که در کتاب اول خود "راهی که در پیش است" یاد میکند که در آن فروشنده و مصرف کننده بدون واسطه باهم در اینترنت معامله میکنند که بازار ایده ال "آدم اسمیت" است که کتاب آسمانی بخش خصوصی "سرمایه داری" را نوشته است. در بازاری که اینترنت بر آن حاکم است واسطه وجود ندارد مگر واسطه ای که ارزش اضافی تولید میکند. در این فصل ما با شرکت های بزرگ مالی، بانکی و بیمه و غیره روبرو میشویم که به گفته بیل برای اینکه از دگرگونی هایی که تکنولوژی ایجاد میکند عقب نیفتند، چگونه بلیون ها دلار در تکنولوژی اینترنت و سیستم کامپیوتری خود سرمایه گذاری میکنند تا جزو شرکت های بجا مانده و پیشرفت کننده باشند تا نابود شوند گان. اینترنت روش زندگی خاص خود را دارد. همانطور که مردم روش زندگی برقی را با استفاده از رادیو تلویزیون برق منزل و سایر وسایل الکتریکی کسب کردند و روش زندگی برقی تمدن انسان را دوباره شکل داد. مردمی که روش زندگی اینترنتی دارند کارهای زیادی که قبلاً با تلفن، نامه، ملاقات و خرید حضوری انجام میدادند با اینترنت انجام میدهند.

عنوان فصل سوم "مدیریت دانسته ها برای بهبود تعقل طرح اصلی" و بخش اول "خبر بد باید بسرعت حرکت کند" دیدگاه و برخورد درخشان بیل گیت را در برخورد با مشکلات شرکت نشان میدهد. او معتقد است هر خبر بدی درباره شرکت باید بسرعت در تمام آن بخش شود تا هرچه زودتر مشکلی که باعث پخش آن خبر بد شده است برطرف شود. او میگوید در هر شرکتی خیلی چیزها به راه نادرست میروند حتی در یک شرکت خیلی خوب. مانند: پذیرفته نشدن تولید، شگفت زده شدن از ملحق شدن مشتری ها به تامین کننده دیگر تولید، رقیبی تولیدی بیرون میدهد که برای بازار جدید وسیعی کشش زیادی دارد، از دست دادن سهم بازار خبر بدی است که هر شرکتی میتواند با آن ارتباط برقرار کند. بیل میگوید در سال ۹۵ وقتی نرم افزار "پنجره ۹۵" را مایکرو سافت رها کرد شرکت در اوج شکوه خود بود و سر و صدای زیادی براه انداخت. اما در مدت دو ماه اینترنت در آگاهی مردمی همه گیر شد و دریافت این بود که مایکروسافت به این میهمانی دعوت نشده است. در اینجا بیل از مفسران صنعت کامپیوتر گزارش میدهد که چگونه با آمدن اینترنت و شرکت نکردن مایکروسافت در آن کار این شرکت را تمام شده حساب میکردند و میگفتند شرکت کوچکی مایکروسافت را از کار بیکار خواهد کرد. در اینجا بیل نشان میدهد که چگونه شرکت او به این مبارزه طلبی جدید صنعت کامپیوتر و اینترنت روبرو میشود و مایکرو سافت را یکی از بزرگترین فراهم کنندگان خدمات اینترنت میکند. بیل در این بخش از تمام اشخاصی که در پیش برد تکنولوژی اینترنت در مایکرو سافت نقشی داشتند نام میبرد و علاقه ای ندارد برای خود اعتبار دروغین ایجاد کند.

در بخش دوم این فصل "تبدیل خبر بد به خوب" بیل میگوید "وقتی که خبر ناخوشایند را با طلفی خوب نه منفی پذیرفتی و آن را نشانه احتیاج به تغییر دیدی از آن شکست نخورده ای." در دنباله این گفتار او از شکست های مایکرو سافت حرف میزند و

خصوصی برای تولید و فروش کامپیوتر وارد فعالیت میشود و چون مطمئن است که دولت نه تنها پول خوبی با در نظر گرفتن سود به تولید کننده میدهد بلکه خرج تحقیقات و پدیدار کردن را هم میدهد. در این معادله که یک طرف مصرف کننده بزرگی وجود دارد و در طرف دیگر که ده ها شرکت بخش خصوصی که سعی میکنند این نیاز تولیدی را برطرف کنند، همزمان با پیشرفت تکنولوژی کامپیوتر قیمت آن نیز پائین میآید. بدین ترتیب ده ها هزار نفر در صنعت پیشرفته ای مشغول کار میشوند که با پیشرفت خود تکنولوژی بهتر و شغل های بهتری تولید میکنند.

دولت میتواند با درخواست از دفاتر مستقل ثبت احوال برای کامپیوتری کردن اسناد رسمی مالکیت زمین و مسکن، ازدواج و طلاق، وکالت نامه و سایر اسناد رسمی برای تولید کنندگان صنعت کامپیوتر بازار ایجاد کند و دست رسی، بازدهی کاری و دقت و درستی دفاتر ثبت احوال را بالا ببرد. دانشگاه ها و مدارس باید پیشتر آشنا کردن دانش آموزان و جوانان با کامپیوتر و کسب روش زندگی کامپیوتری باشند تا در آینده این گروه تحصیل کرده ها مشکل انجام دادن کار ها به روش گذشته و تطبیق دادن خود با کامپیوتر نداشته باشند و برای استفاده از آن مقاومت نکنند. دادگستری بیشترین مقدار اسناد کاغذی را تولید میکند که بررسی آنها وقت گیر و تلف کننده است. دادگستری باید سعی کند تا میتواند اسناد خود را کامپیوتری کند. وزارت دارائی میتواند تنها اظهار نامه های مالیاتی را بپذیرد که بروی نرم افزارهای کامپیوتری حسابداری نوشته شده است. این ها چند نمونه از امکانات دولت برای ایجاد مصرف برای تولیدات و خدمات صنعت کامپیوتر است که با بررسی های بیشتر نمونه های بیشتری میتواند معین شود. کلید پیشرفت صنعت کامپیوتر از سخت افزار، نرم افزار و خدمات در آن است که این صنعت در دست بخش خصوصی با رقابت آزاد باشد و دولت تا آنجا در آن دخالت کند که مانند سایر صنایع ایران نفت، فولاد، ماشین سازی و غیره باعث رکود و بدی کیفیت آنها نشود. ۹-۲۷-۱۰

کامپیو باسطوت